

جایگاه اصول حاکمیت شرکتی در قانون تجارت ایران (براساس اصول سازمان همکاری اقتصادی و توسعه)

دکتر سیدمحمد اعرابی*، رحیم زارع**، مسعود مقدس***

تاریخ دریافت ۸۹/۱۲/۱۸	تاریخ پذیرش ۹۰/۲/۱۴
-----------------------	---------------------

این مطالعه براساس اصول حاکمیت شرکتی^۱ سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۲ به بررسی قانون تجارت ایران - به عنوان مهم ترین منبع رسمی حاکمیت شرکتی - به روش تحلیل محتوای کیفی پرداخته است. پس از استخراج مواد قانونی از قانون تجارت و تطبیق آن با اصول سازمان همکاری اقتصادی و توسعه - حاکمیت شرکتی توصیف شده است. نتایج تحلیل نشان می دهد قانون تجارت از لحاظ اصول حاکمیت شرکتی در این زمینه ها اشکال دارد: در نظر نگرفتن و عدم تعیین چارچوبی مؤثر برای حفظ حقوق سهام داران خرد؛ عدم تعیین چارچوبی مؤثر برای کنترل داخلی و بازرسی اثربخش؛ عدم تفکیک نقش ریاست هیئت مدیره و نقش مدیرعامل شرکت؛ عدم تفکیک نقش حسابرس و بازرس قانونی شرکت؛ عدم شفافیت و افشای صحیح و واضح برای اقدامات انجام شده و در نظر نگرفتن حقوق دیگر ذی نفعان.

کلیدواژه ها: حاکمیت شرکتی؛ قانون تجارت ایران؛ اصول سازمان همکاری اقتصادی و توسعه

* عضو هیئت علمی و استاد دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی؛

E-mail: sm.aarabi@gmail.com

** دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی، دانشگاه علامه طباطبایی؛

E-mail: rahimzarea@gmail.com

*** کارشناس حقوق قضایی و مدیر کل دفتر بازرسی و پاسخ گویی به شکایات سازمان ثبت اسناد و املاک کشور؛

E-mail: musavi.saman@yahoo.com

1. Corporate Governance
2. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

مقدمه

سازمان‌دهی یک کسب‌وکار موفق فراتر از اقدامات درون‌سازمانی است. امروزه بر اثر تحقیقات دانشمندان حسابداری، مدیریت، اقتصاد و حتی حقوق معلوم شده که نقش نهادهای برون‌سازمانی مانند قوانین و دستورالعمل‌های ملی در این زمینه بسیار مهم می‌باشد. از جمله مفاهیم سازمانی و مدیریتی که در سال‌های اخیر مورد توجه دانشمندان این رشته‌های علمی واقع شده همان مفهوم حاکمیت شرکتی است. حاکمیت شرکتی در یک کشور از منابع متعددی نشئت می‌گیرد و به‌عنوان یک نظام سازمانی که تمام ذی‌نفعان در آن شریک هستند مفهومی وابسته به شرایط خاص هر کشور است و امکان دارد در هر کشوری متفاوت باشد. انجام تحقیقات در زمینه بررسی حاکمیت شرکتی در ایران از اهمیت خاصی برخوردار است. اما متأسفانه به نظر می‌رسد که در ایران به‌جز کارهای کلیشه‌ای و کلی تحقیق علمی مهمی انجام نشده است. پژوهش حاضر با توجه به تدوین پیش‌نویس قانون تجارت و اهمیت جایگاه اصول حاکمیت شرکتی، گام کوچکی برای پر کردن خلأ علمی در این زمینه است.

این مقاله به چهار قسمت اصلی تقسیم می‌شود. قسمت اول به مفاهیم نظری حاکمیت شرکتی اشاره دارد. این بخش خود به قسمت‌های مختلفی تقسیم می‌شود. این قسمت ابتدا به تعریف و توصیف حاکمیت شرکتی می‌پردازد. سپس تاریخچه مفهوم حاکمیت شرکتی در دنیا و ایران به‌صورت خلاصه اشاره می‌شود. بعد از آن تئوری‌های موجود در زمینه حاکمیت شرکتی بیان می‌شوند. در قسمت‌های آخر به ترتیب اصول حاکمیت شرکتی ناشی از سازمان‌ها و نهادهای مختلف و متغیرهای حاکمیت شرکتی توصیف می‌گردند. در قسمت دوم روش‌شناسی تحقیق و چارچوب نظری مطالعه، بیان می‌گردد. قسمت سوم نیز به تحلیل حاکمیت شرکتی در قانون تجارت می‌پردازد. قسمت پایانی نیز اختصاص به جمع‌بندی مطالب دارد.

۱ مفاهیم نظری حاکمیت شرکتی

۱-۱ تعریف و توصیف حاکمیت شرکتی

حاکمیت برگرفته از واژه انگلیسی Governance به معنای هدایت کردن است که معمولاً برای هدایت یک کشتی به کار می‌رود. تعریف حاکمیت شرکت، در وهله اول به راهبری تمرکز دارد تا کنترل (حساس‌یگانه، ۱۳۸۴).

کنل^۱ (۲۰۰۶) حاکمیت را بدین صورت تعریف کرده است: حاکمیت یعنی نظارت، قانونگذاری و تنظیم کردن؛ به عبارت دیگر، حاکمیت عبارت است از اعمال نفوذ به منظور حفظ وضعیت مناسب و تبعیت از استانداردهای رفتاری از پیش تعیین شده. حاکمیت شرکت را می‌توان به چگونگی تخصیص منابع شرکت به بخش‌های مختلف آن تعریف کرد (McCready, 2006).

بررسی ادبیات موجود نشان می‌دهد که درباره حاکمیت شرکت، تعریف واحد و مورد توافقی وجود ندارد. تعاریف موجود در یک طیف وسیع، از یک سو شامل دیدگاه‌های محدود و از سوی دیگر شامل دیدگاه‌های گسترده می‌شود. حاکمیت شرکت در دیدگاه‌های محدود به رابطه شرکت با سهام‌داران محدود شده و در قالب تئوری نمایندگی بیان می‌شوند (حساس‌یگانه، ۱۳۸۴).

حاکمیت شرکتی در دیدگاه وسیع به عنوان رابطه شرکت با جامعه تعریف شده است (Gonzalez, 2004) و می‌توان آن را به صورت شبکه‌ای از روابط دید که نه تنها بین شرکت و مالکان (سهام‌داران) آن بلکه بین شرکت و عده زیادی از ذی‌نفعان مانند کارکنان، مشتریان، فروشندگان، دارندگان اوراق قرضه و ... وجود دارد و شامل بازه وسیع‌تری از سازمان‌هاست (حساس‌یگانه، ۱۳۸۴). حاکمیت شرکتی در این دیدگاه شامل نظام خدمات عمومی کارآمد، دستگاه قضایی و چارچوب قانونی مستقل برای به اجرا درآوردن قراردادها، مدیریت پاسخ‌گویی سرمایه‌های عمومی، یک ممیز مستقل و مسئول

1. Knell

در برابر هیئت قانونگذار منتخب، احترام به قانون و حقوق بشر در همه سطوح دولت، ساختار سازمانی جمع‌گرا و رسانه‌ها و مطبوعات آزاد است (Gonzalez, 2004). چنین دیدگاهی در قالب تئوری ذی‌نفعان دیده می‌شود (حساس‌یگانه، ۱۳۸۷).

۱-۲ تاریخچه حاکمیت شرکتی

۱-۲-۱ حاکمیت شرکتی در دنیا

از زمان شکل‌گیری جوامع مدرن، سازمان‌ها و شرکت‌های صنعتی با توجه به ویژگی‌های زمان به تدریج حاکمیت شرکتی نیز وارد مباحث سازمانی و مدیریتی شده است. ولی به صورت رسمی می‌توان گفت که از قرن نوزدهم در آمریکا، قانون شرکت ایالتی، به منظور کارا تر کردن حاکمیت شرکتی، اختیارات هیئت‌مدیره شرکت‌ها را افزایش داد تا بتوانند در ازای اعطای مزایایی قانونی^۱ به سهام‌داران (مزایایی چون حق ارزیابی^۲)، بدون کسب رضایت تک‌تک سهام‌داران^۳ به حاکمیت پردازند. از آن زمان، چون بزرگ‌ترین شرکت‌های سهامی عام ایالات متحده در ایالت Delaware که قوانین دوستانه‌ای^۴ دارد، تأسیس شده‌اند و همچنین به نحو فزاینده‌ای سرمایه ایالت متحده در شرکت‌ها و مؤسسات گوناگون نمایان شده است، حقوق خرده‌مالکان و سهام‌داران، به نحو فزاینده‌ای نقصان داشته است (Bolton, 2006).

در قرن بیستم و پس از سقوط بازار مالی وال‌استریت در سال ۱۹۲۹، قانوندانانی چون آدلف آگوستیوز برل، ادوین دد و گاردینر سی. مینز^۵ به کنکاش درباره نقش در حال تغییر شرکت‌های مدرن در جامعه پرداختند. مقاله مینز و برل، با عنوان «شرکت نوین و دارایی شخصی»، تا به امروز از مهم‌ترین مقالات در این زمینه است. توسعه ایالات متحده پس از جنگ جهانی دوم و ظهور شرکت‌های چندملیتی، زمینه‌های ایجاد طبقه مدیریت^۶ را پدید

1. Statutory Benefits

2. Appraisal Right

3. Unanimous Consent

4. Administration Friendly

5. Adolf Augustus Berle, Edwin Dodd and Gardiner C. Means

6. Managerial Class

آورد. اساتید مدرسه مدیریت هاروارد در این دوره، مقالات تأثیرگذاری در باب اهمیت این طبقه به چاپ رساندند. رونالد کواسیز^۱ از مدرسه اقتصاد شیکاگو، در مقاله «ماهیت شرکت»، در توجیه آنکه شرکت‌ها چرا تأسیس می‌شوند، و چگونه به فعالیت خود ادامه می‌دهند، مفهوم هزینه معاملاتی را معرفی کرد و پنجاه سال پس از آن، مقاله میشل جنسن و اگن فاما^۲ با عنوان «جداسازی مالکیت و کنترل»، نظریه نمایندگی را بنا نهادند. اهمیت نظریه نمایندگی با مقاله سال ۱۹۸۹ کاتلین آیزنهاردت^۳ شاخص‌تر شد (Peebles, 2007).

موضوع حاکمیت شرکتی^۴ از اوایل دهه ۱۹۹۰ در کشورهای انگلیس، کانادا و ایالات متحده و در پاسخ به مشکلات ناشی از فقدان اثربخشی هیئت‌مدیره در شرکت‌های بزرگ مطرح گردید. مبانی اولیه حاکمیت شرکتی با تهیه گزارش کدبری^۵ در انگلیس، گزارش دی در کانادا و مقررات هیئت‌مدیره جنرال موتورز در ایالات متحده شکل گرفت (Cadbury, 2002).

از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰، و در خلال بحران مالی آسیا، توجه زیادی متوجه نظام‌های حاکمیت شرکتی کشورهای در حال توسعه که به‌طور سنتی گرایش شدیدی به ارجح داشتن دوستان و اقوام^۶ داشتند شد و با ورشکستگی انرون^۷، بزرگ‌ترین شرکت فعال در بخش انرژی جهان، این توجه شدت یافت (Parkinson, 1994).

در سال‌های اخیر شاهد پیشرفت عمده‌ای در زمینه حاکمیت شرکتی در سطح جهانی بوده‌ایم. سازمان‌های بین‌المللی مانند شبکه بین‌المللی حاکمیت شرکتی^۸، اتاق بازرگانی بین‌المللی^۹، بانک جهانی^{۱۰}، انجمن مشترک‌المنافع حاکمیت شرکتی^{۱۱}، سازمان توسعه و

-
1. Ronald Coases
 2. Michael Jensen and Eugene Fama
 3. Kathleen Eisenhardt
 4. Corporate Governance
 5. Cadbury
 6. Cronyism, Nepotism
 7. Enron
 8. International Corporate Governance Network (ICGN)
 9. International Chamber of Commerce (ICC)
 10. World Bank
 11. Commonwealth Association for Corporate Governance

همکاری اقتصادی و فدراسیون بین‌المللی حسابداران^۱ و مؤسسات رتبه‌بندی همانند S & P^۲ استانداردهای قابل قبول بین‌المللی را در این مورد فراهم کرده‌اند. آمریکا، بریتانیا و سایر کشورها، هم‌چنان به تقویت نظام‌های حاکمیت شرکتی خود ادامه می‌دهند و به سهام‌داران و روابط آنها، پاسخ‌گویی، بهبود عملکرد هیئت‌مدیره، کمیته‌های زیر نظر هیئت‌مدیره، کمیته حسابرسی، حساب‌رسان و سیستم‌های حسابداری و کنترل داخلی، توجه ویژه دارند. افزون‌بر آن، حسابداران و حساب‌رسان و سایر بازیگران بازار پول و سرمایه از فلسفه وجودی و ضرورت اصلاح دائمی سازوکارها و فرایندهای حاکمیت شرکتی، آگاه شده‌اند (La Porta, Lopez-de-Silanes, Shellfire and Vishny, 1998).

۱-۲-۲ حاکمیت شرکتی در ایران

برای اولین بار در ایران موضوع حاکمیت شرکتی در دو سمینار ذیل مطرح شد:

۱. حاکمیت شرکتی و نقش آن در توسعه بازار سرمایه: کنفرانس ملی بازار سرمایه، موتور محرک توسعه اقتصادی ایران، ۷ و ۸ آذرماه ۱۳۸۳، برگزارکننده دانشگاه علامه طباطبایی.
 ۲. حاکمیت شرکتی و تأثیر آن بر گزارشگری: سمینار گزارشگری مالی و تحولات پیش‌رو، ۸ و ۹ دی ماه ۱۳۸۳، برگزارکننده انجمن حسابداران خیره ایران.
- هم‌اکنون آیین‌نامه حاکمیت شرکتی توسط بورس اوراق بهادار تهران تصویب شده و در حال اجراست.

۱-۳ چارچوب‌های نظری حاکمیت شرکتی

۱-۳-۱ نظریه نمایندگی

در اکثر موارد، سهام شرکت‌ها تحت مالکیت شخصیت‌های حقوقی است و آنها بایستی یک شخص حقیقی را به‌عنوان نماینده خود برای هیئت‌مدیره شرکت معرفی کنند (رحمان‌سرشت،

1. International Federation Accounting (IFAC)

2. Standard & Poor's

۱۳۸۶). براساس نظر جنسن و مک‌لینگ^۱ (۱۹۷۶) این نظریه بر این فرض استوار است که مدیران، نمایندگان مالکان و سهام‌داران در شرکت هستند و آنان برای بیشینه‌سازی عواید صاحبان سهام اقدام نمی‌کنند، مگر اینکه یک ساختار مناسب حاکمیتی، طراحی و اجرا شده باشد. نظریه‌پردازان کارگزاری، برای حفظ منافع سهام‌داران، کمینه کردن هزینه‌های نمایندگی و ایجاد هماهنگی (هم‌سویی) منافع نماینده - مالک، سازوکارهای مختلفی از حاکمیت سازمانی را تجویز می‌کنند. دو سازوکار اصلی که در مطبوعات^۲ این تئوری‌ها متواتر است، شامل برنامه‌های پرداخت انگیزشی به مدیران اجرایی^۳ و ایجاد ساختارهای حاکمیت^۴ شرکتی است (Jensen and Meckling, 1979: 469-506).

۲-۳-۱ نظریه هزینه معاملاتی شرکت^۵

این نظریه یکی از مبانی اقتصاد صنعتی و نظریه‌های مالی است. مطابق این نظریه، شرکت نه تنها به‌عنوان یک واحد اقتصادی عمومی (سهامی عام)، بلکه به‌عنوان سازمانی متشکل از افراد با دیدگاه‌ها و اهداف متفاوت نیز مطرح است. طبق این نظریه شرکت‌ها آن‌قدر بزرگ شده‌اند که در تخصیص منابع، جانشین بازار می‌شوند. در واقع شرکت‌ها به‌قدری گسترده و پیچیده‌اند که با توجه به نوسانات قیمت در بازار، تولید را هدایت و بازار معاملات را متعادل می‌کنند (رحمان سرشت، ۱۳۸۶).

۳-۳-۱ نظریه ذی‌نفعان^۶

این نظریه ترکیبی از تئوری‌های سازمانی و اجتماعی است. در واقع نظریه مزبور یک سنت پژوهشی گسترده است که فلسفه، اخلاق، نظریه‌های سیاسی، اقتصاد، حقوق، علوم سازمانی

1. Jensen and Meckling

۲. مانند مطالعات: Jensen and Meckling, 1976; Demesetz and Lehn, 1985; Davic and et al., 1995

3. Alternative Executive Compensation Schemes

4. Governance Structure

5. Transaction Cost Theory of Firm

6. Stakeholder Theory

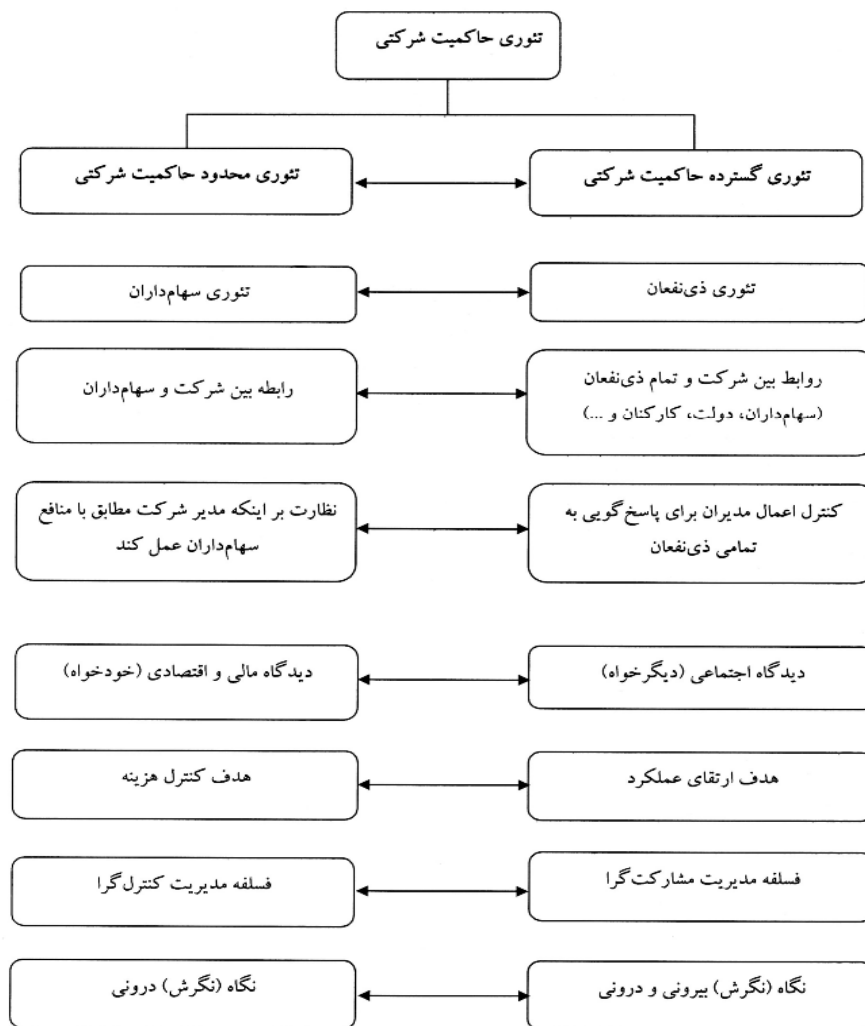
و اجتماعی را در هم می آمیزد. اساس نظریه ذی نفعان این است که شرکت‌ها بسیار بزرگ شده‌اند و تأثیر آنها بر جامعه آن‌چنان عمیق است که آنها باید به‌جز سهام‌داران به بخش‌های دیگری از جامعه که دارای منافع متقابل با آنان هستند نیز توجه کنند و در قبال ایشان پاسخ‌گو باشند. ذی نفعان؛ نه تنها سهام‌داران، بلکه کارکنان، فروشندگان، مشتریان، بستانکاران، سایر شرکت‌ها و عموم مردم را که به‌جای سهام، در شرکت دارای منافع می‌باشند، را شامل می‌گردد. یافته‌های مطالعات انجام‌شده بیانگر آن است شرکت‌هایی که خود را موظف به رعایت حقوق تمامی ذی نفعان می‌کنند و یا به عبارتی در مقابل تمام ذی نفعان مسئول هستند، در درازمدت موفق‌تر خواهند بود و احتمال نائل آمدن آنها به اهداف تعیین شده بیشتر است (همان).

در این پژوهش تلاش شده تا تئوری حاکمیت شرکتی با ویژگی‌های کشورهای مختلف به‌صورت گسترده و محدود؛ با رویکرد تئوری‌های مذکور معرفی شود.

۴-۱ اصول حاکمیت شرکتی

هم‌اکنون هماهنگ‌سازی بین‌المللی در تمام زمینه‌های تجاری رایج شده است. از این رو هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری به‌سوی تدوین استانداردهای مناسب و جامعی حرکت کرده است. به‌عنوان مثال، در سال‌های اخیر شاهد حرکت‌های اثرگذاری به‌سوی هماهنگ‌سازی بین‌المللی درباره استانداردهای حسابداری و گزارشگری مالی بوده‌ایم. به‌دلیل افزایش تجارت بین‌المللی و روابط تجاری، ایجاد روش‌ها و استانداردهای تجربی قابل مقایسه در سطح بین‌المللی ضروری شده است. نیاز به هم‌گرایی جهانی در حاکمیت شرکتی ناشی از وجود نیروهای هدایت‌کننده به‌سوی هماهنگ‌سازی بین‌المللی در بازارهای مالی و افزایش سرمایه‌گذاری بین‌المللی است. شرکت‌ها، دیگر به منابع داخلی متکی نیستند، بلکه تلاش دارند تا سرمایه‌گذاران خارجی را متقاعد به سرمایه‌گذاری کنند. استانداردهای حاکمیت شرکتی یک راه ایجاد اعتماد در بازارهای مالی یک کشور و

امکان مدیریت ریسک سرمایه‌گذاران است (Aaboen, Lise; Lindelöf, Peter; Von Koch, Christopher; Löfsten, Hans, 2006: 955-968). در اینجا مناسب خواهد بود که به چند اقدام استانداردسازی حاکمیت شرکتی در سطح جهان پردازیم.



شکل ۱ انطباق نظریه حاکمیت شرکتی با ویژگی‌های ایران

۱-۴-۱ اصول سازمان همکاری اقتصادی و توسعه

از مهم‌ترین مسائل حاکمیت شرکتی در سطح جهانی، معرفی شماری از اصول کاری حاکمیت شرکتی در سطح بین‌المللی است. اولین مجموعه از استانداردهای قابل قبول حاکمیت شرکتی توسط سازمان همکاری اقتصادی و توسعه تنظیم شده‌اند (OECD, 1999). سازمان همکاری اقتصادی و توسعه یک سازمان بین‌المللی در پاریس است. اعضای آن شامل ۲۹ کشور از سراسر جهان هستند. این اصول، حداقل وجه مشترک اصول حاکمیت خوب شرکتی می‌باشند. بسیاری از اصول شباهت‌هایی با گزارش کدبری (۱۹۹۲) دارند و مسائلی همچون برخورد منصفانه با سهام‌داران، حقوق سهام‌داران، ذی‌نفعان که حقوق قانونی در شرکت دارند، شفافیت و افشا (شامل گزارشگری مالی و حسابرسی)، نقش و مسئولیت‌های هیئت‌مدیره شرکت و اهمیت مدیران غیراجرایی (غیرموظف) را تحت پوشش قرار می‌دهند.

در اصول سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، حاکمیت شرکتی این‌گونه تعریف شده است: مشخص کردن ساختار روابط و مسئولیت‌ها در میان یک گروه اصلی؛ شامل سهام‌داران، اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل برای ترویج عملکرد رقابتی بهتر برای دستیابی به اهداف اولیه مشارکت. همان‌طور که از این تعریف معلوم می‌شود سازمان همکاری اقتصادی و توسعه تلاش دارد تا حاکمیت شرکتی را طوری توصیف کند تا حتی‌الامکان انواع نظام‌های مختلف حاکمیت شرکتی را دربرگیرد. هرچند که یکی از مشکلات اصول سازمان همکاری اقتصادی و توسعه نداشتن قدرت قانونی است، اما با وجود این تأثیرشان چشمگیر بوده است. کشورها از این اصول به‌عنوان مرجعی برای خودارزشیابی و ایجاد اصول کاری مخصوص به‌خود در حاکمیت شرکت‌ها استفاده کرده‌اند. در سال ۱۹۹۱ وزیران نماینده ۲۹ کشور در سازمان همکاری اقتصادی و توسعه در تأیید اصول این سازمان به‌اتفاق آرا، رأی دادند (Bolton, 2006). بانک جهانی نیز از نظر اصول سازمان همکاری اقتصادی و توسعه بسیاری از کشورهای سراسر دنیا را برای ارزشیابی مورد بررسی قرار داده که تمام این ارزشیابی‌ها در اینترنت وجود دارند.

۲-۴-۱ اظهارنظر شبکه بین‌المللی حاکمیت شرکت‌ها درباره اصول سازمان همکاری

اقتصادی و توسعه

شبکه بین‌المللی حاکمیت شرکت‌ها، یک سازمان بین‌المللی و متشکل از گروه‌های ذی‌نفع در اصلاح حاکمیت شرکتی است. این سازمان منافع سرمایه‌گذاران، واسطه‌ها و شرکت‌های مالی را مشخص می‌سازد. این سازمان درباره مسائل حاکمیت شرکتی بحث می‌کند و برای اعضا، سیاست‌گذاران و دانشگاهیان، یک کنفرانس سالانه برگزار می‌کند که برای بحث و مباحثه است. شبکه بین‌المللی حاکمیت شرکت‌ها در ترویج اصول سازمان همکاری اقتصادی و توسعه نقش مؤثری داشته و در سال ۱۹۹۹ گزارشی در این خصوص تهیه کرده است. این گزارش اصول سازمان همکاری اقتصادی و توسعه را به‌عنوان سنگ بنای حاکمیت خوب شرکتی تأیید نمود. آنها شرکت‌ها را در نحوه استفاده از این اصول راهنمایی و ماهیت آن را در بیان معیارهای حاکمیت یک ابزار کاری مشخص کردند (Carton and Hofer, 2006).

۳-۴-۱ اصول نظام بازنشستگی کارمندان دولتی کالیفرنیا

از مراحل مهم دیگر در هماهنگ‌سازی استانداردهای حاکمیت شرکتی توسط نظام بازنشستگی کارمندان دولتی کالیفرنیا انجام شد. نظام بازنشستگی کارمندان دولتی کالیفرنیا مجموعه‌ای از اصول را مشخص کرد که از نظر آنها حداقل استاندارد را دارد و تمام بازارهای دنیا سعی می‌کنند از آنها پیروی کنند. هدف از این استانداردها فراهم آوردن امکان عملکرد آزادانه و یکسان برای تمام سرمایه‌گذاران در بازارهای جهانی است. ویژگی‌های مهم این اصول رسیدن به یک سطح قابل مقایسه از پاسخ‌گویی (توسط شرکت و سهام‌داران) بین کشورهاست. تأکید اولیه برای استقرار هم‌گرایی جهانی در استانداردهای حاکمیت شرکتی، دستیابی به بینش و بصیرت درازمدت بود. این کار مستلزم ایجاد راهبردهای درازمدت توسط مدیران شرکت‌ها در سراسر دنیا می‌باشد (Fung Man, 2003).

۴-۴-۱ اتحادیه اروپا

کمیسیون اتحادیه اروپا چندین سال را صرف توضیح روش‌هایی کرد که به کمک آنها می‌تواند به اعضا درباره حاکمیت شرکتی راهنمایی ارائه دهد. گزارش مرکز تحقیقات سیاسی اروپا اصلاحات اساسی انجام‌شده در سال‌های اخیر را در نظام‌های حاکمیت شرکتی کشورهای اروپای غربی مستند کرد (CEPS, 1995). در اتحادیه اروپا تلاش خوبی برای تدوین اصول کاری حاکمیت شرکتی برای کشورهای عضو صورت نگرفته است (Judge, Naoumovab and Koutzevol, 2003: 385-396). در حال حاضر ۴۲ اصول کاری در کشورهای عضو اتحادیه اروپا وجود دارد. اما تفاوت‌های موجود مربوط به تفاوت‌های خود کشورهاست. اتحادیه اروپا توصیه می‌کند که نباید کشورهای عضو را به واسطه قانون به هماهنگ‌سازی وادار کرد. توافق بر این است که هماهنگ‌سازی باید به‌جای اعمال کردن اصول کاری اتحادیه اروپا با سرعتی طبیعی انجام گیرد.

در ژوئن ۲۰۰۳ فرتیس تولکستین مسئول بازار داخلی و مالیات اتحادیه اروپا، اولویت‌های اول قانونی را برای برنامه کار خدمات مالی و حاکمیت شرکتی مطرح ساخت. به گفته وی روش کمیسیون اتحادیه اروپا، ایجاد معیارهای ضروری در سطح کل اروپا و تشویق به همکاری بهتر در بین اصول قراردادی اعضاست. این کمیسیون بر شفافیت و افشا و همچنین ارتقای اعمال مؤثر بر حقوق سهام‌داران توجه دارد. کمیسیون، شرکت‌های فهرست‌بندی‌شده در تمام کشورهای عضو اتحادیه اروپا را وادار ساخت تا یک گزارش سالیانه از ساختارها و روش‌های کاری خود در حاکمیت شرکتی منتشر سازند که حداقل باید این موارد را پوشش دهند: عملیات و اختیارات جلسه سهام‌داران (مجامع عمومی)، ساختار و عملکرد هیئت‌مدیره و کمیته‌های مربوطه، اصول قراردادی ملی که شرکت نسبت به آن متعهد می‌شود و اقدامات اتخاذشده برای رعایت این اصول همراه با توضیح علت انجام ندادن این کار (Fan, 2007: 330-357). کمیسیون همچنین سرمایه‌گذاری نهادی را وادار می‌کند تا سیاست‌های خود را برای سیاست‌گذاری و اعمال حق رأی دادن آشکار سازند.

۵-۴-۱ دستورالعمل‌های کشورهای مشترک‌المنافع

دستورالعمل‌های کشورهای مشترک‌المنافع درباره حاکمیت شرکتی توجهات را به چند سال آخر تکامل نظام‌های حاکمیت شرکتی در چند کشور آفریقایی در حال توسعه معطوف ساخته است. اما مطالعات معدودی نیز در این خصوص وجود دارد که در آنها به نظام حاکمیت شرکت‌های آفریقایی توجه شده باشد.^۱

۲ روش‌شناسی و چارچوب نظری تحقیق

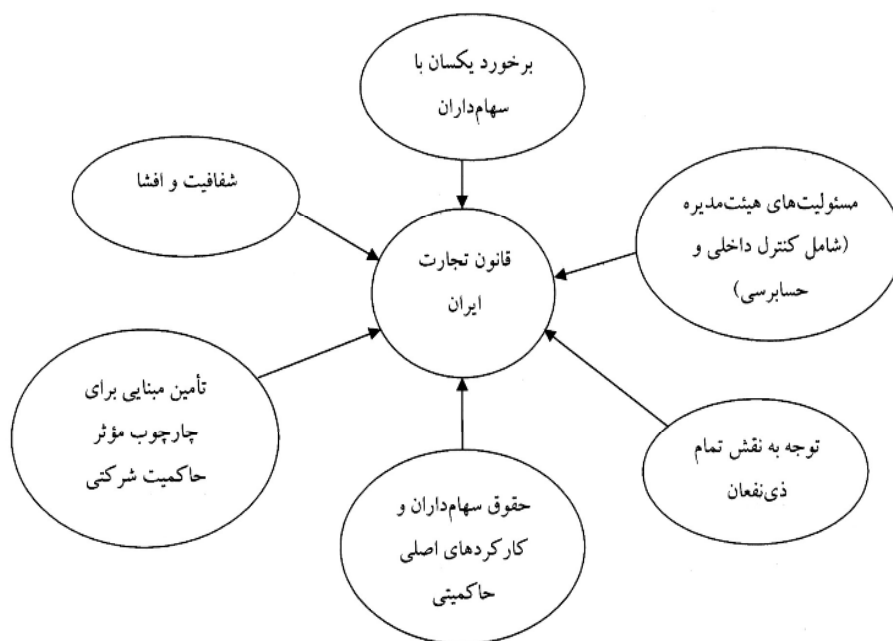
روش‌های تحقیق براساس معیارهای مختلف به چندین دسته تقسیم‌بندی شده‌اند. از جمله دسته‌بندی‌های کلی می‌توان به روش تحقیق توصیفی و آزمایشگاهی اشاره کرد. منظور از روش‌های توصیفی آن دسته از روش‌هایی هستند که محقق بدون دستکاری متغیرها تنها به توصیف مشاهدات و داده‌های جمع‌آوری شده خود می‌پردازد. که می‌توان به روش تحقیق‌های موردی، پیمایشی، اسنادی، تحلیل محتوا و حتی تاریخی اشاره کرد. منظور از روش‌های آزمایشگاهی روش‌هایی هستند که در آنها محقق سعی می‌کند با کنترل شرایط و محیط تحقیق و با دستکاری متغیر مستقل، اثر آن را بر متغیر وابسته شناسایی و اندازه‌گیری کند (اعرابی، ۱۳۸۸).

روش تحقیق به کار گرفته شده در این مطالعه، روش توصیفی از نوع تحلیل محتوای کیفی می‌باشد. در این روش محقق با استخراج مواد قانونی مربوط به قانون تجارت ایران براساس چارچوب نظری تحقیق محتوای آن مواد را در زمینه اصول حاکمیت شرکتی مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد داد. در این بررسی مشخص خواهد شد که قانون تجارت ایران در زمینه رعایت اصول حاکمیت شرکتی دارای چه نواقصی می‌باشد.

چارچوب نظری تحقیق براساس اصول سازمان همکاری اقتصادی و توسعه است که

۱. جزئیات دقیق اقدامات کشورهای مشترک‌المنافع در ارتقای هماهنگ‌سازی حاکمیت شرکت‌ها در این وب‌سایت قابل واریسی است: <http://www.the.commonwealth.org>

در بخش ادبیات نظری به آن اشاره شد. اولین مجموعه از استانداردهای قابل قبول حاکمیت شرکت‌ها، توسط سازمان همکاری اقتصادی و توسعه تنظیم شده است. این سازمان بین‌المللی برای حاکمیت شرکتی مؤثر شش اصل را برمی‌شمارد که عبارت‌اند از: برخورد یکسان با سهام‌داران، مسئولیت‌های هیئت‌مدیره؛ توجه به نقش تمامی ذی‌نفعان؛ حقوق سهام‌داران، تأمین مبنایی برای چارچوب مؤثر حاکمیت و شفافیت و افشا. شکل زیر چارچوب نظری تحقیق را نشان می‌دهد.



شکل ۲ بررسی حاکمیت شرکتی در قانون تجارت ایران براساس اصول حاکمیت شرکتی

۳ محتوای تحقیق و تحلیل آن

در میان شرکت‌های ایرانی حاکمیت شرکتی از منابع ذیل ناشی می‌شود:

۱. قانون تجارت،

۲. آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های سازمان بورس و اوراق بهادار تهران برای شرکت‌های عضو،

۳. استانداردهای حسابداری ایران،

۴. عرف و فرهنگ تجاری رایج در ایران،

۵. اساسنامه شرکت‌ها (توافق مالکان)،

۶. سیاست‌ها و برنامه‌های راهبردی شرکت‌ها.

از آنجا که بررسی و تحلیل حاکمیت شرکتی ناشی از تمام این منابع کاری طولانی و موضوع تحقیق‌های گوناگون است، در این مطالعه فقط به بررسی و تحلیل حاکمیت شرکتی قانون تجارت می‌پردازیم. قانون تجارت ایران شامل یازده باب است که به ترتیب عبارت‌اند از: تجار و معاملات تجاری؛ دفاتر تجاری؛ شرکت‌های تجاری؛ برات، چک و سفته طلب؛ اسناد وجه حامل؛ دلالتی؛ حق‌العمل کاری؛ قرارداد حمل و نقل؛ نمایندگان تجاری؛ ضمانت؛ و قوانین ورشکستگی. کاملاً مشخص است که قوانین مربوط به حاکمیت شرکتی را فقط می‌توان از باب سوم که همان باب شرکت‌های تجاری است جست‌وجو کرد. این باب شامل چهار فصل به ترتیب زیر است:

۱. فصل اول: انواع مختلف شرکت‌ها و قواعد راجع به آنها،

۲. فصل دوم: مقررات راجع به ثبت شرکت‌ها،

۳. فصل سوم: امور تصفیه شرکت‌ها،

۴. فصل چهارم: مقررات گوناگون.

مقررات راجع به حاکمیت شرکتی را از فصل اول می‌توان استخراج کرد. این فصل شامل هفت مبحث است که هر کدام درباره یکی از انواع شرکت‌های هفت‌گانه مقرر در قانون تجارت است. این شرکت‌ها عبارت‌اند از: شرکت‌های سهامی، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت تضامنی، شرکت مختلط غیرسهامی، شرکت مختلط سهامی، شرکت نسبی و شرکت تعاونی.

از آنجا که معمولاً پدیده جدایی مالکیت از مدیریت (کنترل) فقط در شرکت سهامی اتفاق می‌افتد و در بقیه شرکت‌ها، مالکیت و مدیریت یکی هستند بنابراین تنها به قوانین مبحث اول (شرکت‌های سهامی) به خصوص شرکت‌های سهامی عام خواهیم پرداخت زیرا پدیده جدایی مالکیت از مدیریت در این نوع از شرکت‌های سهامی نمود بیشتری دارد.

۳-۱ محتوای قانون تجارت ایران در زمینه حاکمیت شرکتی

در ماده (۱) از باب سوم (درباره شرکت‌های تجاری) شرکت سهامی به شرح زیر تعریف شده است: «شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است».

ماده (۴) این نوع شرکت سهامی را به دو شرکت سهامی خاص و سهامی عام تقسیم کرده است. در این قسمت ابتدا به ارکان شرکت سهامی که در قانون تجارت آمده است اشاره کرده و سپس مواد قانونی و وظایف آنها را ذکر می‌کنیم. ارکان درونی شرکت سهامی در قانون تجارت ایران به صورت زیر می‌باشد.

۱. مؤسسان اولیه و مجمع عمومی مؤسسان اولیه،

۲. بازرسان،

۳. مجمع عمومی عادی یا همان سالیانه،

۴. مجمع عمومی فوق‌العاده،

۵. هیئت مدیره شرکت،

۶. رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره،

۷. مدیرعامل شرکت،

۸. معاملات با اشخاص وابسته.

در ذیل به شرح هر یک از این ارکان و شرایط قانونی آنها می‌پردازیم.

۳-۱-۱ مؤسسان اولیه و مجمع عمومی مؤسس

در ماده (۶) قانون تجارت درباره نحوه عمل مؤسسان به عنوان رکن اولیه شرکت‌های سهامی در زمان تأسیس شرکت چنین آمده است:

ماده (۶): برای تأسیس شرکت‌های سهامی عام، مؤسسین باید حداقل ۲۰ درصد سرمایه شرکت را خود تعهد کرده و لااقل ۳۵ درصد مبلغ تعهدشده را در حسابی به نام شرکت در شرف تأسیس نزد یکی از بانک‌ها سپرده سپس اظهارنامه‌ای به ضمیمه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیرهنویسی سهام که به امضا کلیه مؤسسین رسیده باشد در تهران به اداره ثبت شرکت‌ها و در شهرستان‌ها به دایره ثبت شرکت‌ها و در نقاطی که دایره ثبت شرکت‌ها وجود ندارد به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و رسید دریافت کنند.

در مواد (۱۶ و ۱۷) درباره نقش مجمع عمومی مؤسسان نیز آمده است:

ماده (۱۶): پس از گذشتن مهلتی که برای پذیرهنویسی معین شده است و یا در صورتی که مدت تمدید شده باشد بعد از انقضای مدت تمدیدشده مؤسسین حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیرهنویسان رسیدگی و پس از احراز اینکه تمام سرمایه شرکت صحیحاً تعهد گردیده و حداقل ۳۵ درصد آن پرداخت شده است تعداد سهام هریک از تعهدکنندگان را تعیین و اعلام و مجمع عمومی مؤسس را دعوت خواهند نمود.

ماده (۱۷): مجمع عمومی مؤسس با رعایت مقررات این قانون تشکیل می‌شود و پس از رسیدگی احراز پذیرهنویسی کلیه سهام شرکت و تأدیه مبالغ لازم و شور درباره اساسنامه شرکت و تصویب آن اولین مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت را انتخاب می‌کند. مدیران و بازرسان شرکت باید کتباً قبول سمت نمایند. قبول سمت به خودی خود دلیل بر این است که مدیر و بازرس با علم به تکالیف و مسئولیت‌های سمت خود عهده‌دار آن گردیده‌اند از این تاریخ شرکت تشکیل شده محسوب می‌شود.

در ماده (۷۴) نیز وظایف مجمع عمومی مؤسس به شرح زیر آمده است:

وظایف مجمع عمومی مؤسس به قرار ذیل است:

۱. رسیدگی به گزارش مؤسسين و تصويب آن و همچنين احراز پذيرهنويسی کليه سهام شرکت و تأديه مبالغ لازم.
۲. تصويب طرح اساسنامه شرکت و درصورت لزوم اصلاح آن.
۳. انتخاب اولين مديران و بازرس يا بازرسان شرکت.
۴. تعيين روزنامه کثيرالانتشاری که هرگونه دعوت و اطلاعیه بعدی برای سهامداران تا تشکيل اولين مجمع عمومی عادی در آن منتشر خواهد شد.

۲-۱-۳ بازرسان شرکت

همانطوری که در مواد (۱۷ و ۷۴) دیده شده یکی از وظایف مجمع عمومی مؤسس و مجامع عمومی عادی و سالیانه، تعیین بازرس یا بازرسان شرکت است. در مواد (۱۴۸، ۱۴۹ و ۱۵۱) قانون درباره نقش بازرسان آمده است:

ماده (۱۴۸): بازرس یا بازرسان علاوه بر وظایفی که در سایر مواد این قانون برای آنان مقرر شده است مکلفاند درباره صحت و درستی صورت دارایی و صورت حساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان ترازنامه‌ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه می‌کنند و همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجمع عمومی گذاشته‌اند اظهار نظر کنند.

ماده (۱۴۹): بازرسان باید اطمینان حاصل نمایند که حقوق صاحبان سهام در حدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است به‌طور یکسان رعایت شده باشد و درصورتی که مدیران اطلاعاتی برخلاف حقیقت در اختیار صاحبان سهام قرار دهند بازرسان مکلفاند که مجمع عمومی را از آن آگاه سازند.

ماده (۱۵۱): بازرس یا بازرسان باید هرگونه تخلف یا تقصیری در امور شرکت را که از ناحیه مدیران و مدیرعامل مشاهده می‌کنند به اولين مجمع عمومی اطلاع دهند و درصورتی که ضمن انجام مأموریت خود از وقوع جرمی مطلع شوند باید به مرجع قضایی صلاحیت‌دار اعلام نموده و نیز جریان را به اولين مجمع عمومی گزارش دهند.

۳-۱-۳ مجامع عمومی عادی یا سالیانه

در مواد (۷۲، ۸۶، ۸۸ و ۸۹) قانون تجارت درباره مجامع عمومی عادی و وظایف آنها این چنین آمده است:

ماده (۷۲): مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می‌شود. مقررات مربوط به حضور عده لازم برای تشکیل مجمع عمومی و آرای لازم جهت اتخاذ تصمیمات در اساسنامه معین خواهد شد مگر در مواردی که به موجب قانون تکلیف خاص برای آن مقرر شده باشد.

ماده (۸۶): مجمع عمومی عادی می‌تواند نسبت به کلیه امور شرکت به جز آنچه که در صلاحیت مجمع عمومی مؤسس و فوق‌العاده است تصمیم بگیرد.

ماده (۸۸): در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره به اکثریت نصف به علاوه یک آرای حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود. مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود.

ماده (۸۹): مجمع عمومی عادی باید سالی یک بار در موقعی که در اساسنامه پیش‌بینی شده است برای رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارایی و مطالبات و دیون شرکت و صورت حساب دوره و عملکرد سالیانه شرکت و رسیدگی به گزارش مدیران و بازرسان یا بازرسان و سایر امور مربوط به حساب‌های سال مالی تشکیل شود.

۳-۱-۴ مجمع عمومی فوق‌العاده

در مواد (۸۳ و ۸۵) قانون تجارت درباره مجمع عمومی فوق‌العاده آمده است:

ماده (۸۳): هرگونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده می‌باشد.

ماده (۸۵): تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده همواره به اکثریت دو سوم آرای حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود.

وظایف مجمع عمومی فوق العاده را می توان به عنوان ادامه وظایف مجمع عمومی مؤسسان در شرکت در زمان فعالیت شرکت پس از تشکیل آن تلقی کرد.

۳-۱-۵ هیئت مدیره شرکت

بخش ششم از فصل مربوط به شرکت های سهامی درباره هیئت مدیره شرکت های سهامی می باشد. در مواد (۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۴، ۱۱۸ و ۱۲۱) به این موارد اشاره شده است: ماده (۱۰۷): شرکت سهامی به وسیله هیئت مدیره ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می باشند اداره خواهد شد. عده اعضای هیئت مدیره در شرکت های سهامی عمومی نباید از پنج نفر کمتر باشد.

ماده (۱۰۸): مدیران شرکت توسط مجمع عمومی مؤسس و مجمع عمومی عادی انتخاب می شوند. ماده (۱۰۹): مدت مدیران در اساسنامه معین می شود. لیکن این مدت از دو سال تجاوز نخواهد کرد.

ماده (۱۱۴): مدیران باید تعداد سهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است دارا باشند. این تعداد سهام نباید از تعداد سهامی که به موجب اساسنامه جهت دادن رأی در مجامع عمومی لازم است کمتر باشد. این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تقصیرات مدیران منفرداً یا مشترکاً بر شرکت وارد شود. سهام مذکور با اسم بوده و قابل انتقال نیست و مادام که مدیری مفصاحساب دوره تصدی خود در شرکت را دریافت نداشته است سهام مذکور در صندوق شرکت به عنوان وثیقه باقی خواهد ماند.

ماده (۱۱۸): جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می باشند، مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.

ماده (۱۲۱): برای تشکیل جلسات هیئت‌مدیره حضور بیش از نصف اعضای هیئت‌مدیره لازم است. تصمیمات باید به اکثریت آرای حاضرین اتخاذ گردد مگر آنکه در اساسنامه اکثریت بیشتری مقرر شده باشد.

۳-۱-۶ رئیس و نایبرئیس هیئت‌مدیره

در مواد (۱۱۹ و ۱۲۰) قانون تجارت درباره جایگاه و وظایف رئیس و نایبرئیس هیئت‌مدیره آمده است:

ماده (۱۱۹): هیئت‌مدیره در اولین جلسه خود از بین اعضای هیئت‌مدیره یک رئیس و یک نایبرئیس که باید شخص حقیقی باشند برای هیئت‌مدیره تعیین می‌نماید. مدت ریاست رئیس و نایبرئیس هیئت‌مدیره بیش از مدت عضویت آنها در هیئت‌مدیره نخواهد بود. هیئت‌مدیره در هر موقع می‌تواند رئیس و نایبرئیس هیئت‌مدیره را از سمت‌های مذکور عزل کند. هر ترتیبی خلاف این ماده مقرر شود کان‌لم‌یکن خواهد بود.

تبصره «۱»: از نظر اجرای مفاد این ماده شخص حقیقی که به‌عنوان نماینده شخص حقوقی عضو هیئت‌مدیره معرفی شده باشد در حکم عضو هیئت‌مدیره تلقی خواهد شد.

تبصره «۲»: هرگاه رئیس هیئت‌مدیره موقتاً نتواند وظایف خود را انجام دهد وظایف او را نایبرئیس هیئت‌مدیره انجام خواهد داد.

ماده (۱۲۰): رئیس هیئت‌مدیره علاوه بر دعوت و اداره جلسات هیئت‌مدیره موظف است که مجامع عمومی صاحبان سهام را در مواردی که هیئت‌مدیره مکلف به دعوت آنها می‌باشد دعوت نماید.

۳-۱-۷ مدیرعامل شرکت

در مواد (۱۲۴ و ۱۲۵) درباره جایگاه قانون مدیرعامل و وظایف او آمده است:

ماده (۱۲۴): هیئت‌مدیره باید حداقل یک نفر شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت

برگزیند و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق الزحمه او را تعیین کند. در صورتی که مدیرعامل عضو هیئت مدیره باشد دوره مدیریت عامل او از مدت عضویت او در هیئت مدیره بیشتر نخواهد بود. مدیرعامل شرکت نمی تواند در عین حال رئیس هیئت مدیره همان شرکت باشد مگر با تصویب سه چهارم آرای حاضر در مجمع عمومی.

تبصره: هیئت مدیره در هر موقع می تواند مدیرعامل را عزل نماید.

ماده (۱۲۵): مدیرعامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیئت مدیره به او تفویض شده است، نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضا دارد.

۸-۱-۳ معاملات با اشخاص وابسته

از نکات قابل توجه در قانون تجارت می توان به معاملات اشخاص وابسته با شرکت اشاره کرد که در مواد (۱۲۹، ۱۳۲ و ۱۳۳) قانون تجارت به آنها اشاره شده است:

ماده (۱۲۹): اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت و همچنین مؤسسات و شرکت هایی که اعضای هیئت مدیره و یا مدیرعامل شرکت شریک یا عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل آنها باشند نمی توانند بدون اجازه هیئت مدیره در معاملات که با شرکت یا به حساب شرکت می شود به طور مستقیم یا غیرمستقیم طرف معامله واقع و یا سهم شوند و در صورت اجازه نیز هیئت مدیره مکلف است بازرس شرکت را از معامله ای که اجازه آن داده شده بلافاصله مطلع نماید و گزارش آن را به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام بدهد و بازرس نیز مکلف است ضمن گزارش خاصی حاوی جزئیات معامله نظر خود را درباره چنین معامله ای به همان مجمع تقدیم کند. عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل ذی نفع در معامله در جلسه هیئت مدیره و نیز در مجمع عمومی عادی هنگام اخذ تصمیم نسبت به معامله مذکور حق رأی نخواهد داشت.

ماده (۱۳۲): مدیرعامل شرکت و اعضای هیئت مدیره به استثنای اشخاص حقوقی حق ندارند هیچ گونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمی تواند دیون آنان را تضمین یا

تعهد کند. این گونه عملیات به خودی خود باطل است. در مورد بانک‌ها و شرکت‌های مالی و اعتباری معاملات مذکور در این ماده به شرط آنکه تحت قیود و شرایط عادی و جاری انجام گیرد معتبر خواهد بود ممنوعیت مذکور در این ماده شامل اشخاصی نیز که به نمایندگی شخص حقوقی عضو هیئت‌مدیره در جلسات هیئت‌مدیره شرکت می‌کنند و همچنین شامل همسر و پدر و مادر و اجداد و اولاد و اولاد اولاد و برادر و خواهر اشخاص مذکور در این ماده می‌باشد.

ماده (۱۳۳): مدیران و مدیرعامل نمی‌توانند معاملاتی نظیر معاملات شرکت که متضمن رقابت با عملیات شرکت باشد انجام دهند. هر مدیری که از مقررات این ماده تخلف کند و تخلف او موجب ضرر شرکت گردد مسئول جبران آن خواهد بود منظور از ضرر در این ماده اعم است از ورود خسارت یا تقویت منفعت (رسایی‌نیا، ۱۳۸۴).

۲-۳ تحلیل محتوای قانون تجارت براساس چارچوب نظری تحقیق

پس از ذکر مواد قانونی مزبور راجع به ارکان شرکت، به بررسی اصول حاکمیت شرکتی بر مبنای اصول سازمان همکاری اقتصادی و توسعه می‌پردازیم. همان‌طور که در ادبیات حاکمیت شرکتی و روش‌شناسی مطالعه حاضر بیان شد، چارچوب نظری این مقاله بررسی حاکمیت شرکتی در ایران براساس اصول حاکمیتی شرکتی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه است.

اولین اصل حاکمیت شرکتی برخورد یکسان با سهام‌داران است. ظاهراً در قانون تجارت ایران برای همه سهام‌داران حقوق یکسانی در نظر گرفته شده است. مجمع عمومی را می‌توان به‌عنوان اساسی‌ترین رکن حاکمیت شرکتی قلمداد کرد زیرا به تمامی امور مربوط به انتخاب هیئت‌مدیره، بازرسان و نیز تأیید یا رد اقدام‌های انجام‌شده توسط مدیریت می‌پردازد. هرگونه کوتاهی در این رکن ضربه جبران‌ناپذیری به حقوق صاحبان سهام خواهد زد. به‌نظر می‌رسد در برخی مواقع این امر نقض شده است. یکی از این موارد

حقوق صاحبان سهام خرد است که در قانون تجارت ایران حقوق صاحبان سهام خرد تقریباً نادیده گرفته شده است. از آنجا که طبق ماده (۷۵) این قانون هر سهمی تنها یک حق رأی در مجامع عمومی دارد بنابراین ممکن است صاحبان سهام خرد، حتی در صورت اتحاد، نتوانند بر انتخاب اعضای هیئت‌مدیره و رأی‌دهی در زمینه اقدامات مدیریت کاری از پیش ببرند.

اصل بعدی مسئولیت‌های هیئت‌مدیره برای اداره و کنترل بهینه شرکت است. در قانون تجارت ایران فقط به مسئولیت‌های زیاد هیئت‌مدیره در اداره شرکت اشاره شده و تأکیدی بر اعمال کنترل‌های خاص مانند داشتن کمیته حسابرسی و نظارت و تدوین کنترل‌های داخلی بهینه به منظور احراز اطمینان از نبود هرگونه سوءاستفاده از منابع شرکت به عمل نیامده است. بازرسی و نظارت بر اقدام‌های مدیریت نیز برعهده بازرس یا بازرسان گذاشته شده است. این افراد به‌عنوان ناظر سهام‌داران بر اقدامات مدیریت هستند. به‌طور مثال در این زمینه می‌توان گفت که هیئت‌مدیره برای اداره بهتر شرکت باید تمهیدات لازم را برای خروج اطلاعات محرمانه شرکت به هر نحوی بیاندیشد.

همان‌طور که در ماده (۱۴۸) ملاحظه می‌شود وظایف بازرس با وظایف حسابرس در قانون تجارت ایران یکی شده است. این در حالی است که امروزه در تمام شرکت‌های بزرگ دنیا اظهارنظر درباره صحت اطلاعات در صورت‌های مالی برعهده حسابرس بوده و در مورد رعایت اساسنامه و قانون تجارت به بازرس واگذار می‌شود. از دیگر وظایف مهم بازرسان این است که آنها طبق قانون مسئول رعایت حقوق صاحبان سهام به‌صورت یکسان، بر مبنای اساسنامه و قانون هستند. به‌عبارت‌دیگر رابط اطلاعاتی مجامع عمومی در شرکت می‌باشند. به‌نظر می‌رسد موارد مزبور در ایران نادیده گرفته شده است. از این‌رو تفکیک وظایف بازرس از وظایف حسابرس در قانون تجارت ایران از ضرورت‌ها می‌باشد. اصل سوم توجه به نقش دیگر ذی‌نفعان است. متأسفانه قانون تجارت ایران فقط در بخش شرکت‌ها به سهام‌داران توجه داشته و بندی درباره رعایت دیگر ذی‌نفعان در آن

آورده نشده است. به عنوان مثال می توان گفت که در قانون تجارت به رعایت و حفظ محیط زیست هیچ اشاره ای نشده است. علت آن هم این است که در زمان تصویب قانون تجارت هنوز بحران محیط زیست به این شدت مطرح نبوده است. در مورد دیگر ذی نفعان هم وضع به این صورت است. مثلاً می توان گفت که قانون تجارت فقط به حفظ حقوق سهام داران بالفعل توجه دارد و برای آگاهی سهام داران بالقوه که می توانند در آینده سهام شرکت را خریداری کنند توجهی نشده است. به عبارت دیگر به حق آنها در زمینه آگاهی از وضعیت شرکت هیچ اهمیتی داده نشده است. همچنین برای دیگر ذی نفعان مثل مشتریان و عرضه کنندگان حقی قائل نشده است.

اصل چهارم مربوط به حقوق سهام داران و کارکردهای حاکمیتی است. از قانون تجارت به خصوص در اصول (۳۷ و ۳۸) و دیگر اصول می توان این حقوق را برای سهام داران استخراج کرد:

- حق دریافت سود سهام،
 - حق رجحان در خرید سهام جدید شرکت،
 - حق دریافت اندوخته قابل تقسیم شرکت،
 - حق رأی در مجامع،
 - حق آگاهی از وضعیت شرکت در تاریخ های معین.
- به نظر می رسد مهم ترین حق از نظر حاکمیت شرکتی، همان حق رأی در مجامع می باشد. همان طور که در اولین اصل حاکمیت شرکتی اشاره شد در قانون تجارت ایران حقوق صاحبان سهام خرد تقریباً نادیده گرفته شده که محل اشکال است. همچنین قانون تجارت ایران برای جلوگیری از افشای اطلاعات پنهانی شرکت و برای جلوگیری از عدم تقارن اطلاعاتی به منظور حفظ حقوق سهام داران سازوکاری در نظر نگرفته است.
- اصل پنجم عبارت است از تأمین مبنایی برای چارچوب مؤثر حاکمیت شرکتی. به نظر می رسد قانون تجارت درباره ترکیب و تعداد اعضای هیئت مدیره برای جلوگیری از اتخاذ

تصمیمات ناکارا و نیز افتادن در دامی که عملاً تصمیم‌گیری در آن ممکن نیست دارای نقایص و کاستی‌هایی باشد. مثلاً زمانی که موافقان و مخالفان یک تصمیمی برابر باشند مواردی ذکر نشده است. همچنین اجازه در اختیار داشتن هم‌زمان ریاست هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت نیز کاستی جدی دیگر می‌باشد.

از دیگر موارد در این زمینه مؤسسان شرکت می‌باشند. این رکن با تأسیس رسمی شرکت جایگاه خود را ازدست می‌دهد و نقش خود را به مجمع عمومی یا هیئت‌مدیره واگذار می‌کند. متأسفانه در قانون تجارت ایران به نقش مؤسسان در پیشبرد شرکت توجهی نشده است. مطالعات نشان‌دهنده نقش مثبت این عوامل هستند.

هی^۱ (۲۰۰۸) به مقایسه عملکرد مدیرعامل‌های مؤسس با مدیرعامل‌های حرفه‌ای^۲ از نظر حقوق و دستمزد مدیران اجرایی،^۳ عملکرد شرکت و ساختار حاکمیت در شرکت‌هایی که به تازگی عمومی شده‌اند، پرداخته است. مدیران، ویژگی‌های شخصیتی و ذاتی مختلفی دارند؛ به همین دلیل نمی‌توان یک ساختار حاکمیتی مناسب برای همه مدیران پیشنهاد کرد. بسیاری از مدیران مانند مدیران مؤسس؛ وابسته به سازمانشان هستند. درباره این مدیران، اعطای اختیار و محول کردن امور به آنها می‌تواند بسیار مناسب‌تر از نظارت بر آنها باشد.

انتظار دستمزد کمتر از سوی مؤسس فقط به دلیل امنیت شغلی بیشتر، یا در اختیار داشتن مقدار زیادی سهام نیست، بلکه تا حد زیادی نتیجه ویژگی‌های شخصیتی منحصر به فرد آنهاست، که آنها را از مدیرعامل‌های حرفه‌ای متمایز می‌کند. اغلب، در نتیجه راه‌اندازی و پیش بردن کسب و کار، یک رضایت درونی در مؤسس به وجود می‌آید و این افراد نسبت به مدیران غیرکارآفرین رضایت ذهنی بیشتری دارند. این منافع غیرمادی می‌تواند نیاز به پاداش‌های بیرونی را جبران کند. به همین دلیل مؤسسان معمولاً برای تلاش و کوشش خود در سازمان دستمزد کمتری می‌طلبند. انگیزه درونی مؤسس برای خدمت کردن به آنچه

1. He

2. Professional CEO's

3. Executive Compensation

خود به وجود آورده است و ارتباط روانی او با شرکت به هم راستا کردن علایق و دل‌بستگی‌های او با منافع شرکت کمک می‌کند. در نتیجه، حتی بدون دادن مشوق‌های مؤثر، مؤسسان انگیزه کافی برای تلاش و کوشش در جهت منافع سهام‌داران را دارند. از این رو، انگیزه‌های درونی مؤسس بیش از مالکیت سهام و یا هر نوع پاداش بیرونی، به کاهش دستمزد مورد انتظار وی منجر می‌شود و نیاز به مشوق‌های هزینه‌بر برای دستیابی به عملکرد بهتر را کاهش می‌دهد (He, 2008: 257-279).

روی هم رفته، در شرکت‌های کارآفرین در حال انتقال، مدیرعامل مؤسس می‌تواند به جای یک مسئول به‌عنوان یک منبع تلقی شود؛ زیرا ارزش‌هایی که مدیر مؤسس با خود به شرکت می‌آورد، به مراتب بیشتر از مشکلات مدیریتی بالقوه‌ای است که امکان دارد به مدیریت مؤسس نسبت داده شود. جایگزین کردن مؤسسان (که اغلب دارای سهام زیادی هستند) با مدیران حرفه‌ای، ممکن است باعث کاهش هزینه‌های نمایندگی ناشی از داشتن یک مدیر دارای مالکیت و نفوذ شود، اما این کار هزینه‌های نمایندگی مربوط به جدا کردن مالکیت از کنترل را نیز به شرکت تحمیل می‌کند که این هزینه‌ها در شرکت‌هایی که به تازگی عمومی شده‌اند یکدیگر را خنثی نمی‌کنند؛ زیرا مدیرعامل مؤسس هم دستمزد کمتری دریافت می‌کند و هم از نظر عملکرد بهتر از مدیر حرفه‌ای است (Ibid.).

تأثیر عملکرد مدیرعامل مؤسس بر عملکرد شرکت زمانی که ساختار رهبری به سمت واگذاری اختیارات پیش می‌رود بیشتر تقویت می‌شود تا زمانی که به سوی کنترل پیش برود. این در حالی است که در قانون تجارت ایران هیچ‌گونه امتیازی برای این گروه در نظر گرفته نشده است. گفتنی است براساس ماده (۱۰۷) قانون، مدیران شرکت بایستی از میان سهام‌داران باشد. این امر شاید در وهله اول قابل توجه به نظر برسد، ولی معایبی نیز به همراه دارد. از جمله اینکه مدیریت یک کار تخصصی است و سهام‌داران ممکن است اصلاً مدیریت بلد نباشند. به نظر می‌رسد در شرکت‌های سهامی عام باید به اصل جدایی مدیریت از مالکیت بیشتر پایبند بود هر چند این امر هزینه‌های نمایندگی را بالا ببرد.

اصل آخر در مورد شفافیت و افشاست. در این زمینه تا حدودی به سهام‌داران توجه شده ولی حقوق دیگر ذی‌نفعان مانند جامعه، دولت، سهام‌داران بالقوه و دیگر ذی‌نفعان رعایت نشده است. مثلاً همان‌طور که در بالا اشاره شد در صورت وجود معاملات با اشخاص وابسته، هیئت‌مدیره بازرس و مجمع عمومی را در جریان امر قرار می‌دهد ولی دیگر ذی‌نفعان به دلیل عدم افشا از این کار آگاه نمی‌شوند. همچنین می‌توان گفت که اصل افشا درباره سهام‌داران بالفعل نیز به صورت کامل نیامده است. هم‌اکنون علاوه بر ترازنامه و صورت سود و زیان صورت جریان‌های نقدی نیز به عنوان یکی از صورت‌های ضروری مالی مطرح است ولی در این باره بندی در قانون تجارت ایران وجود ندارد.

۴ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله پس از بیان مفاهیم نظری حاکمیت شرکتی و نقش آن در پیشبرد سازمان و اقتصاد یک کشور، به بررسی قانون تجارت براساس اصول حاکمیت شرکتی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه پرداخته شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که قانون تجارت ایران به عنوان مهم‌ترین منبع رسمی حاکمیت شرکتی در این زمینه نواقصی دارد که می‌توان به عدم در نظر گرفتن حقوق صاحبان سهام خرد، در نظر نگرفتن حقوق دیگر ذی‌نفعان غیر از سهام‌داران، عدم افشای صحیح، عدم تفکیک نقش رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت، عدم تفکیک نقش حسابرس و بازرس، و در نظر نگرفتن نقش مؤثر مؤسسان و مدیران مؤسس اشاره کرد.

با توجه به اینکه امروزه دولت به دنبال تغییر و بازنویسی قانون تجارت می‌باشد و پیش‌نویس اولیه این قانون نیز منتشر شده است انتظار می‌رود که نارسایی‌هایی که به صورت خلاصه در این مقاله بیان گردید، مورد توجه قرار گیرند. از سایر محققان در حوزه‌هایی مانند حسابداری، اقتصاد و حقوق نیز انتظار می‌رود با بررسی این موضوع از منظر رشته تحصیلی خود به شکل‌گیری گفتمان علمی و میان‌رشته‌ای در این زمینه کمک نمایند.

منابع و مأخذ

- اعرابی، سیدمحمد (۱۳۸۸). «جزوه کلاسی مبانی فلسفی روش تحقیق»، دوره دکتری مدیریت بازرگانی (گرایش بازاریابی).
- حساس یگانه، یحیی (۱۳۸۴). «مفاهیم حاکمیت شرکتی»، تهران، مجله حسابدار، تهران، ش ۱۶۷.
- حساس یگانه، یحیی و محمدرضا الماسی (۱۳۸۷). «حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دولتی»، مجله حسابدار، شماره ۱۹۰.
- رحمان سرشت، حسین (۱۳۸۶). *تئوری‌های سازمان و مدیریت (از تجددگرایی تا پس از تجددگرایی)*، دو جلد، تهران، نشر دوران.
- رسایی‌نیا، ناصر (۱۳۸۴). *مجموعه قوانین تجارت، تهران، انتشارات شکیب، چاپ دوم.*
- Aaboen, Lise, Peter Lindelöf, Christopher Von Koch and Hans Löfsten (2006). "Corporate Governance and Performance of Small High-tech Firms in Sweden", *Technovation*, 26.
- Berle, A. and G. Means (1992). "The Modern Corporate and Private Property", New York.
- Bolton, Brian John (2006). *Corporate Governance and Firm Performance*, PhD Thesis, Leeds School of Business, Spring.
- Cadbury, A. (2002). "Corporate Governance and Chairmanship: A Personal View", Oxford University Press, Oxford.
- Cadbury Cod (1992). "Report of the Committee on Financial Aspects of Corporate Governance", The Cod of Best Practice, Gee Professional Publishing, London
- Carton, Robert B. and Charles W. Hofer (2006). *Measuring Organizational Performance: Metrics for Entrepreneurship and Strategic Management Research*, Edward Elgar Publications.
- Fan, Joseph P. H., T. J. Wonga and Tianyu Zhang (2007). "Politically Connected CEOs, Corporate Governance, and Post-IPO Performance of China's Newly Partially Privatized Firms", *Journal of Financial Economics*, 84.
- Gonzalez, Eduardo T. (Editor) (2004). *Impact of Corporate Governance on Productivity: Asian Experience*, Asian Productivity Organization, Tokyo.
- He, Lerong (2008). "Do founders Matter? A Study of Executive Compensation, Governance Structure and Firm Performance", *Journal of Business Venturing*, 23.

- Jensen, M., and W. Meckling (1979). Rights and Production Functions: an Application to Labor Managed Firms, *Journal of Business*, 52.
- Judge, William Q., Irina Naoumovab and Nadejda Koutzevol (2003). "Corporate Governance and Firm Performance in Russia: an Empirical Study", *Journal of World Business*, 38.
- Knell, Allen (2006) *Corporate Governance - How to Add Value to Your Company: A Practical Implementation Guide*, Elsevier.
- La Porta, R., F.Lopez-de-Silanes, A.Shellfire and R. W. Vishny (1998). "Law and Finance ", *Journal of Political Economy*, 106.
- McCready, A1 Douglas (2006). *The Organizational Dynamics of Corporate Governance Structures: An Investigation of Heterogeneity in Boards' Participation in Corporate Governance*, PhD Thesis, George Washington University.
- OECD (1999). "OECD Principles of Corporate Governance", OECD, Paris.
- Parkinson, J. E. (1994). "Corporate Power and Responsibility", Oxford University Press Oxford.
- Peebles, Douglas A. (2007). *Corporate Governance and Firm Performance: The Influence of Structures, Processes, and Information Technology*, PhD Thesis, Capella University, February.
- Rahmanseresht, Hosein (2001). *Impact of Corporate Governance on Productivity: Asian Experience*, Asian Productivity Organization, Malaysia.
- Yau, Fung Man (2003) *Corporate Governance and Performance: An Analysis of Listed Companies in China*, PhD Thesis, The Hong Kong Polytechnic University.